

پژوهش‌های حقوقی

علمی - ترویجی

شماره ۲۳

هزار و سیصد و نود و دو - نیمسال اول

- ۶ • اثر اعاده دادرسی بر اجرای حکم قطعی دادگاه
فریدون نهرینی
- ۴۱ • در جست‌وجوی دولت مدرن در ایران: سرنوشت لویاتان ایرانی
علی‌اکبر گرجی ازندریانی - جعفر شفیعی سردشت
- ۸۷ • مسؤولیت بین‌المللی دولت ناشی از حملات سایبری
سید یاسر ضیایی - مونا خلیل‌زاده
- ۱۱۳ • حریم خصوصی در شبکه‌های اجتماعی مجازی
باقر انصاری - شیما عطار
- ۱۳۸ • بررسی ماهیت قتل‌های ناموسی و رویکرد نظام حقوق بشر نسبت به آن
سهیلا ابراهیمی لویه
- ۱۵۷ • بحران میانمار، آزمونی برای شورای امنیت در چارچوب نظم حقوقی بین‌المللی
فاطمه فتح‌پور - مرضیه قلندری
- توسعه کتابخانه‌های دیجیتال و فرجام حقوق مالکیت ادبی و هنری
از منظر حقوق تطبیقی و بین‌الملل
- ۱۸۴ • محمدجواد شجاع - الهام‌السادات الوانکار
- ۲۱۵ • آنچه از نظام آموزشی حقوق در انگلستان آموختم
ضحی‌العلی‌زاده - ستاره ساعدی عراقی





بحران میانمار، آزمونی برای شورای امنیت در چارچوب نظم حقوقی بین‌المللی

فاطمه فتح‌پور* - مرضیه قلندری**

چکیده: شورای امنیت در حوزه مرتبط با حقوق بشر، مسئولیت توجه به اموری را دارد که صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره می‌اندازند. پیوند ظریفی که منشور سازمان ملل متحد میان رعایت حقوق بشر و حفظ صلح و امنیت جهانی برقرار نموده و همچنین روزنه نویدبخشی که تدوین‌کنندگان اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری جهت استقرار هرچه بیشتر عدالت در گستره این پهنه خاکی به منظور مصون نماندن مرتکبان هولناک‌ترین فجایع علیه بشریت به روی شورای امنیت گشوده‌اند، مبنای حقوقی استواری برای صلاحیت شورای امنیت جهت ارجاع وضعیت‌های ناقص حقوق بشر در کشورهایی که عضو اساسنامه ICC نمی‌باشند، به دیوان ایجاد کرده است. بررسی اخبار، اسناد و گزارش‌های ارائه شده از سوی گزارشگر ویژه سازمان ملل و همچنین سایر اسناد صادره توسط دیگر نهادهای حامی حقوق بشر خیر از وقوع جنایاتی به واقع هولناک و دردآور در کشور میانمار دارند که همگی حاکی از سیستماتیک، گسترده و فاحش بودن فجایع رخ داده، دارند. از آنجا که دستیابی به صلح، در گروی تأمین عدالت و بی‌کیفر نماندن مرتکبان فجایع ددمنشانه علیه بشریت است، انتظار می‌رود شورای امنیت با پیشینه عملکردی خویش ارجاع وضعیت دارفور سودان به دیوان بین‌المللی کیفری در خصوص

* کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل (دانشگاه علامه طباطبایی)

** کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل (دانشگاه علامه طباطبایی)

نقض‌های شدید حقوق بشری صورت گرفته در میانمار که علیه اقلیت مسلمان این کشور از سال ۲۰۱۲، به طور جدی، آغاز شده است، واکنش نشان دهد.

کلیدواژه‌ها: بحران میانمار، صلاحیت شورای امنیت، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، دیوان بین‌الملل کیفری

«اما این شما هستید که یکدیگر را می‌کشید و جمعی از خودتان را از سرزمین‌شان بیرون می‌کنید و در این گناه و تجاوز به یکدیگر کمک می‌کنید و این‌ها همه نقض پیمانی است که با خدا بسته‌اید.»

سوره بقره، آیه ۸۵

مقدمه

صلح در حلقه حقوق بشری نه تنها غایت آمال جامعه بین‌المللی است، بلکه غایت آمال ادیان الهی نیز می‌باشد.^۱ حقی که خود ضامن اجرای خویش است و نقض آن، نقض موجودیت تمامی حق‌های بشری و زمینه‌ساز آشوب‌ها و درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی قلمداد می‌گردد. فلذا می‌توان گفت، صلح از یک سو در جهت پیشگیری از بروز مخاصمات و درگیری‌های مسلحانه و از دیگر سوی، در حفظ و تأمین خود به‌عنوان یک حق بشری، عمل می‌نماید.

پس از تجربه دردناک جنگ دوم جهانی، جامعه بین‌المللی به لزوم برقراری، حمایت

۱. در قرآن مجید در آیات بسیار زیادی، دعوت به صلح گردیده است که در ذیل به چند نمونه اشاره می‌گردد.
قرآن به صلح و زندگی مسالمت‌آمیز دعوت می‌کند: یا ایها الذین آمنوا اَدْخُلُوا فِی السَّلَامِ کَافَّةً وَکَآ تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الْکَشِیْطَانِ اِنَّهٗ لَکُمْ عَدُوٌّ مُّبِیْنٌ (ای ایمان آوردگان! همگی در صلح و آشتی درآیید؛ و از گام‌های شیطانی پیروی نکنید؛ که او دشمن آشکار شماست.) سوره بقره، آیه ۲۰۸.

قرآن تأکید می‌کند که هرگاه گروهی از کفار واقعاً بی‌طرفی برگزیده و در پی مسالمت باشند، مسلمانان بر آنان سلطه‌ای نداشته و حق جنگیدن با آن‌ها را ندارند: فَاِنْ اِغْتَرَلَوْکُمْ فَلَمْ یَقَاتِلُوکُمْ وَ اَلْقَوْا اِلَیْکُمُ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللهُ لَکُمْ عَلَیْهِمْ سَبِیْلًا (پس اگر از شما کناره‌گیری کردند و با شما پیکار نمودند، بلکه پیشنهاد صلح کردند، خداوند به شما اجازه نمی‌دهد که متعرض آنان شوید.) سوره نساء، آیه ۹۰.

قرآن در جای دیگر، ضمن تأکید بر آمادگی دفاعی، به پیامبر (ص) دستور می‌دهد که اگر دشمنان به صلح گرایند از صلح و آشتی استقبال کند: وَ اِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْتَنِحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَیْ اللهِ اِنَّهٗ هُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ (و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح درآی؛ و بر خداوند توکل کن، که او شنوا و داناست.) سوره انفال، آیه ۶۱.

قرآن صلح و صفا و صمیمیت را برای بشر مایه خیر و نیک‌بختی می‌داند: وَ اَلصُّلْحُ خَیْرٌ... (صلح و آشتی بهتر است...) سوره نساء، آیه ۱۲۸.

و تضمین صلح، به‌عنوان اصلی‌ترین سازوکار حمایت از امنیت بین‌المللی توجه نمود و به موجب ماده ۲۴ منشور (ملل متحد) مسؤولیت اصلی حفظ صلح و امنیت جهانی را به عهده شورای امنیت نهاد و او را مقام میانجی و مجری نظم در چارچوب فصل‌های ششم و هفتم یعنی مواردی که نقض صلح، جهان را در معرض خطر قرار می‌دهد، دانست. از این‌روست که احکام شورا به موجب ماده ۲۵ لازم‌الاجرا می‌باشند.

تضمین صلح و امنیت بین‌المللی طبعاً در گروی اجرای بین‌المللی عدالت خواهد بود، از این‌رو تعامل بین شورای امنیت به‌عنوان اصلی‌ترین پاسدار صلح و امنیت بین‌المللی و دیوان بین‌المللی کیفری به‌عنوان مقام تضمین‌کننده احترام به اجرای عدالت بین‌المللی، صرف‌نظر از برخی انتقادات وارده، می‌تواند ابتکاری مؤثر جهت کاهش دغدغه‌های جامعه بین‌المللی به‌عنوان یک کل قلمداد شود، تعاملی که این روزها جامعه بین‌الملل در برخورد با بحران میانمار، جهت استقرار «نظم عادلانه»^۲ نیازمند آن است.

بحران میانمار که در اردیبهشت سال ۹۱ به دنبال بروز یک اختلاف بین اقلیت مسلمان و بوداییان این کشور و متعاقب در پیش گرفتن سیاست به شدت تبعیض‌آمیز توسط دولت این کشور رخ داد، سبب کشتار هولناک تعداد زیادی از مسلمانان به دست بوداییان افراطی گردید. دولت این کشور نه تنها هیچ اقدام مؤثری برای خاتمه دادن به این وضعیت انجام نداد، بلکه با تعلق در رسیدگی به وضعیت پیش‌آمده، خودداری از دریافت کمک‌های بشردوستانه، ایراد سخنانی‌های تحریک‌آمیز توسط ریاست جمهوری این کشور و ... وضعیت را بحرانی‌تر کرد. به طوری که آقای اوجنا کویتانا گزارشگر ویژه سازمان ملل که در گزارش اولیه خویش تمام سعی خود را بکار گرفته بود تا از هرگونه پیش‌داوری احتراز جوید^۳، چند ماه بعد صراحتاً اعلام کرد که گزارش‌هایی از دخالت دولت در اقدامات خشونت‌آمیز به وی رسیده است.^۴

۲. اصولاً هر نظام حقوقی به‌سوی ایجاد و استقرار نظم عادلانه گام برمی‌دارد. این ضرورت در نظام بین‌المللی مبین تعامل میان سیاست و حقوق بین‌الملل، و به واقع رابطه بین صلح و عدالت بین‌المللی بوده است. زمانی، «شورای امنیت و ارجاع وضعیت دارفور (سودان) به دیوان کیفری بین‌المللی»، ۶۱.

3. Statement of the Special Rapporteur on the Situation of Human Rights in Myanmar

برای اطلاعات بیشتر، نک:

www.ohchr.org/en/newsevents/pages/displaynews.aspx?newsID=12405&langID=E

۴. به گزارش پرس تی وی، توماس اوجنا کویتانا، گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره حقوق بشر میانمار، روز پنج‌شنبه ششم فروردین ۱۳۹۲ با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: من گزارش‌هایی دریافت کرده‌ام که نشان از دخالت دولت در برخی از اقدامات خشونت‌آمیز دارد. او افزود: ارتش و نیروی پلیس باید هم‌اکنون برای نقض حقوق بشر پاسخگو باشند. بعد از آغاز موج جدید حملات علیه مسلمانان در ۲۰ مارس ۲۰۱۳، دست‌کم ۴۰ نفر در مرکز

متأسفانه سانسور خبری شدیدی در خصوص بحران میانمار وجود دارد که امر پژوهش را با مشکل مواجه می‌سازد. آن چیزی که وضعیت را اسفبارتر کرده سکوت سنگین محافل خبری و نهادهای بین‌المللی است که آشکارا با بی میلی از کنار انعکاس وقایع رخ داده در میانمار عبور می‌کنند و برخی از خبرگزاری‌ها تنها به درج چند خط در این خصوص بسنده می‌کنند. از همین رو در مورد تعداد کشته‌شدگان و آوارگان به هیچ عنوان آمار دقیقی وجود ندارد. اما شدت وخامت اوضاع در میانمار تا بدان حد است که مقامات بلند پایه میانمار نیز بدان اذعان دارند.^۵

در این مقاله برآنیم تا با بررسی وقایع عینی رخ داده در میانمار و موارد نقض صلح، حقوق بشر و قواعد آمره (گفتار اول)، به امکان دخالت شورای امنیت و سازوکار اجرایی مربوطه که در خصوص موارد مشابه این وضعیت یعنی بحران دارفور سودان و لیبی (گفتار دوم) استفاده شده است، بپردازیم.

گفتار یکم: بحران اخیر میانمار و ابعاد حقوقی آن

حقیقت نظام بین‌الملل و به عبارت دقیق‌تر، مفاهیم حقوق بین‌الملل فقط با خرد انسانی یعنی ادراک دقیق نیازهای جامعه بین‌الملل روشن می‌گردد، در شرایط کنونی، صلح اساسی‌ترین نیاز جامعه بین‌المللی است. بدیهی است بی‌کیفر نماندن مرتکبان جرایمی که موجب نگرانی جامعه بین‌المللی می‌شود از اصلی‌ترین ستون‌های حفظ صلح و تأمین امنیت جامعه بین‌المللی به‌شمار می‌رود. فاجعه انسانی رخ داده اخیر، در میانمار می‌تواند یکی از نمونه‌های بارز نقض حقوق بشر و به تبع آن نقض صلح باشد.

بند اول: وضعیت مسلمانان در میانمار

کشور برمه یا میانمار فعلی در جنوب شرقی آسیا واقع شده و از شمال شرقی با چین، از شرق با لائوس، از جنوب شرقی با تایلند، از غرب با بنگلادش و از شمال غربی با

<http://edition.presstv.ir/detail/fa/295608.html>

میانمار کشته شده‌اند. نک:

همچنین وی، اعلام کرد که گزارش‌هایی به دست آورده است که نشان می‌دهند جنایتکاران سازمان‌یافته بودایی در شهر مئیکیتا در مرکز میانمار، اغلب در حضور نیروهای پلیس میانمار و سربازان این کشور علیه مسلمانان به خشونت متوسل می‌شوند. نک: <http://edition.presstv.ir/detail/fa/299632.html/last> visited 92/2/11

۵. سخنگوی «تین سین»، رئیس جمهور میانمار روز شنبه (۲۷ اکتبر ۲۰۱۲، ۶ آبان ۱۳۹۱) اعلام کرد: رویدادهایی وجود داشته است که در آن‌ها کل روستاها و بخش‌هایی از شهرها در ایالت راخین، به آتش کشیده شده‌اند.

<http://edition.presstv.ir/detail/fa/269126.html>

هند مرز مشترک داشته و از جنوب غربی با خلیج بنگال و از جنوب با دریای آندامان محصور شده است. میانمار با جامعه بسته سیاسی، دارای سابقه تاریخی نظام دیکتاتوری است. این کشور از سال ۱۸۲۴ ضمیمه حکومت هند و از مستعمرات بریتانیا محسوب می شد که همزمان با استقلال از انگلستان در سال ۱۹۴۸ به میانمار تغییر نام یافت. میانمار با جمعیت حدود ۶۰ میلیون نفر، شامل ۱۴۴ قومیت مختلف می باشد که پس از تصویب قانون ۱۹۸۲ حقوق شهروندی، ۱۳۵ قومیت از جمله بوداییان که ۸۷ درصد جمعیت کشور را به خود اختصاص داده اند، به رسمیت شناخته شده و ۹ قومیت دیگر از جمله مسلمانان روهینگیا از حقوق شهروندی محروم ماندند.^۶

تاریخ گسترش اسلام در میانمار به قرن یکم هجری باز می گردد. با ظهور و پذیرش اسلام توسط اعراب و ایرانیان، تبلیغ دین اسلام در سراسر جهان توسط دریانوردان و بازرگانان عرب و ایرانی آغاز و بسیاری از آنان در منطقه حاصلخیز و مستعد ساحلی آراکان (روهینگیا) اقامت گزیده و این مناطق مسلمان نشین را در جنوب شرقی آسیا ایجاد کردند.^۷

این کشور همواره از درگیری های قومی و قبیله ای در رنج بوده است. از زمان انقلاب نظامی «ژنرال نه وین» در سال ۱۹۶۲ با تشدید سیاست نابرابری و نابرداری مذهبی در قبال اقلیت ها، موج جدیدی از خشم، نفرت و تعصب کورکورانه بر اندیشه اکثریت جامعه حاکم و انواع تبعیض ها و محرومیت ها بر اقلیت ها (به ویژه مسلمانان) بارگشت.^۸ اصرار بر اعمال این سیاست، میانمار را با فجایع بی شماری از جمله فاجعه انسانی ۲۰۱۲ روبرو ساخت، سیاستی که تحولات دموکراتیک رخ داده در ماه های اخیر^۹ نیز نتوانست این کشور را در برابر بروز بحران اخیر مصون دارد. تحولات دموکراتیکی که شاید بتوان آن را مهم ترین عامل فروستن چشم های جامعه جهانی بر روی درگیری قومی این کشور دانست و همان طور که فیل رابرتسون، گزارشگر دیده

6. <http://www.mashreghnews.ir/fa/news/143722>, 1391/05/25, last visited: 1392/01/22.

7. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910427001287/last> visited: 92/1/21

۸. دولت ژنرال نه وین پس از روی کار آمدن در ۱۹۶۲ رفتن مسلمانان به حج را ممنوع اعلام کرد تا آنکه در ۱۹۸۰ پس از گذشت ۱۸ سال به هفتاد نفر از مسلمانان اجازه داده شد جهت انجام فرائض حج به مکه مشرف شوند. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910427001287/last> visited: 92/1/21

۹. دولت تین سین، رئیس جمهور میانمار، سال گذشته اصلاحات مهمی اجرا کرد از جمله به آنگ سان سوچی رهبر مخالفان این کشور اجازه داد در انتخابات پارلمانی شرکت کند. همچنین سانسور در مطبوعات را لغو و حدود چهارصد زندانی سیاسی را آزاد کرد. واحد مرکزی خبر، تاریخ انتشار: سیزدهم بهمن ۱۳۹۱ <http://www.iribnews.ir/NewsText.aspx?ID=1820798>, 1391/11/13, last visited 1392/01/23.

بان حقوق بشر گفته است: «تغییر در برمه باعث کور شدن جامعه بین‌المللی شده است»^{۱۰}.

بحران اخیر میانمار با تجاوز و قتل یک زن (بودایی) از قبیله راخین در ۲۸ مه ۲۰۱۲ آغاز و با کشته شدن ۱۰ مسلمان توسط یک راهب ناشناس بودایی ادامه یافت^{۱۱} و با به آتش کشیدن روستاها، قتل و سوزاندن دسته‌جمعی اهالی، تخریب بیش از ۷۰ مساجد مسلمانان و به آتش کشیدن آنان^{۱۲}، تجاوز به دختران مسلمان، آواره و بی‌خانمان کردن^{۱۳} بیش از صدها هزار نفر^{۱۴}، تجاوز به زنان در پیش روی دیگران^{۱۵}، مصلوب کردن مردان^{۱۶}، زنده سوزاندن کودکان و ... به اوج رسید.

بحران میانمار نشان‌دهنده فرهنگ نژادپرستانه و قدیمی سرسختانه، علیه اقلیت مسلمان روئینگی در میانمار است، فرهنگی که بشر را به قتل ممنوع خویش با هولناک‌ترین شیوه‌ها ترغیب می‌نماید. بحران اخیر میانمار علی‌رغم پیشرفت‌های دموکراتیک و سیاسی نشان‌دهنده مواجهه جدی این کشور با مسائل حقوق بشری است که همچنان با آن دست به گریبان است. نادیده گرفتن حقوق شهروندی، هویت انسانی، بکارگیری اجباری، محدودیت در رفت‌وآمد، محدودیت در ازدواج، حمله به غیرنظامیان، قتل، خشونت جنسی، شکنجه و سایر سیاست‌های تبعیض نژادی در حال اعمال، همان‌گونه که گزارشگر ویژه سازمان ملل^{۱۷} نیز _ علی‌رغم احتیاط در اظهارات و

10. <http://www.khabaronline.ir/detail/232410>, 1391/05/11, last visited 1392/1/22.

11. <http://www.seratnews.ir/fa/news/72523>, 1391/05/03, last visited 1392/1/22.

12. edition.pressTV.ir/detail/fa/255493.html.

۱۳. به گزارش سازمان ملل، موج جدید خشونت در میانمار هزاران نفر، عمدتاً مسلمانان از مناطق غربی این کشور را آواره کرده است. بنابر آمارهای سازمان ملل، حدود ۲۶ هزار تن از جمله چهار هزار تن که با قایق به «ستوه» مرکز ایالت راخین، فرار کردند، در نتیجه موج خشونت‌های فرقه‌ای مجبور به ترک خانه و کاشانه‌شان شده‌اند. اشوک نیگام، هماهنگ‌کننده امور انسانی سازمان ملل در میانمار پیش‌تر اعلام کرده بود، دولت میانمار با اکثریت بودایی، در روز یکشنبه (۷ آبان برابر با ۲۸ اکتبر) اعلام کرد، در پی موج جدید ناآرامی‌های قومی در ایالت راخین در روزهای اخیر، ۲۶ هزار نفر از جمله ۲۱ هزار و هفتصد تن مسلمان آواره شده و ۶۶۵ خانه نیز به آتش کشیده شد. نک: <http://edition.presstv.ir/detail/fa/269366.html>.

14. <http://www.shia-news.com/fa/news/46654>, last visited 1392/01/23.

15. <http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart/4180/4754/38536>, last visited 1391/01/23.

16. <http://www.fardanews.com/fa/news/210379>, last visited 1392/01/23.

۱۷. به گزارش واحد مرکزی خبر از نیویورک، توماس اوجتا کویبتانا، در نشست خبری در جمع خبرنگاران سازمان ملل با اشاره به سفر ماه اوت میلادی وی به منطقه راکان میانمار گفت: خشونت‌هایی که بین گروه‌های مختلف، در آن منطقه رخ داده منجر به کشته شدن ده‌ها نفر و دستگیری و آوارگی صدها هزار نفر دیگر شده است. وی به‌ویژه درباره اعمال خشونت‌های گسترده از جمله کشتار، آدم‌ربایی، سربازگیری کودکان و غیره در نواحی مرزی ابراز نگرانی کرد و توقف این قبیل اقدامات را از طرف‌های درگیر در میانمار خواستار شد.

و احتراز از پیش‌داوری در خصوص جنایات واقع شده - صراحتاً در گزارش خود ذکر نموده است «تبعیض سیستماتیک»^{۱۸} نسبت به جمعیت روهینگیا به‌شمار می‌آید.^{۱۹}

شاید بتوان اظهارات رئیس دولت میانمار مبنی بر عدم برسمیت شناختن مسلمانان به‌عنوان اقلیت نژادی^{۲۰} و تأکید بر لزوم اخراج یا اسکان آن‌ها در اردوگاه‌های آوارگان سازمان ملل را یک ماه پیش از شروع درگیری‌ها، اعلام توافق ضمنی بر پاکسازی اقلیت مسلمانان و مبنای اقدامات ددمنشانه علیه آن‌ها تلقی نمود. «سوالی که بحث در مورد آن خالی از فایده نیست، آن است که آیا ماده ۲۷ میثاق (حقوق مدنی و سیاسی)^{۲۱} بیگانگان مهاجر را نیز در برمی‌گیرد. در بادی امر به نظر می‌رسد چون بافت بیگانگان از ثبات و تداوم تاریخی برخوردار نبوده، از تعریف اقلیت خروجی موضوعی دارد، لیکن نباید از یاد برد که ماده ۲۷ از اشخاص صحبت می‌کند، نه از اتباع. بدین لحاظ تفسیر لفظی و منطوق این ماده، مانعی در راه متمتع دانستن بیگانگان از حقوق موضوع ماده ۲۷ نیست. خلاصه کلام آنکه نتیجه منطقی و اقتضای ذاتی حقوق بشر ایجاب می‌کند که بیگانگان

گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره وضعیت حقوق بشر میانمار گفت نقض شدیدی به‌ویژه درباره موضوع حقوق بشر در میانمار صورت گرفته است.

[http://www.iribnews.ir/NewsText.aspx?ID=1705913/last visited 92/1/23](http://www.iribnews.ir/NewsText.aspx?ID=1705913/last%20visited%2092/1/23)

۱۸. مجمع عمومی سازمان ملل در تاریخ ۲۴ دسامبر ۲۰۱۲ با صدور بیانیه‌ای، درباره آزار و اذیت مسلمانان در میانمار ابراز نگرانی کرد. سازمان ملل در این بیانیه از دولت میانمار خواست تا از همه حقوق (مسلمانان) از جمله حق ملیت آنان حمایت کند. این بیانیه همچنین به شدت، «نقض سیستماتیک کنونی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی» در میانمار را محکوم کرد.

<http://edition.presstv.ir/detail/fa/281793.html>
 19. Statement of the Special Rapporteur on the Situation of Human Rights in Myanmar
 Available at: www.ohchr.org/en/newsevents/pages/displaynews.aspx?newsID=12405&langID=E

۲۰. خبرگزاری فارس در خبری که در مورخ ۱۳۹۱/۴/۲۸ در سایت خود منتشر نموده چنین نوشت: «رئیس‌جمهور میانمار هفته گذشته اعلام کرد که مسلمانان، شهروند میانمار نیستند. تین‌سین، رئیس‌جمهور میانمار، جمعیت ۸۰۰ هزار نفری مسلمانان روهینگیا در این کشور را قومیتی خارجی دانست و گفت: مسلمانان یا باید در اردوگاه‌های آوارگان متمرکز شده و یا اخراج شوند.»

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=139104270012871>, last visited 1392/01/21.

همچنین رئیس‌جمهور برمه در سخنانی دیگر اعلام کرد: مسلمانان روهینگیا را به‌عنوان یک اقلیت نژادی به‌رسمیت نمی‌شناسد و تنها نسل سوم این مسلمانان را - که پیش از استقلال میانمار به این کشور وارد شده‌اند - به‌رسمیت می‌شناسد. روزنامه شرق، شماره ۱۵۹۳ - ۱۳۹۱/۰۵/۱۲، ص ۶.

۲۱. ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان می‌دارد: «در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی، مذهبی یا زبانی وجود دارند، اشخاص متعلق به اقلیت‌های مزبور را نمی‌توان از این حق محروم نمود که مجتمعاً با سایر افراد گروه خودشان از فرهنگ خاص خود متمتع شوند و به دین خود متدین بوده و بر طبق آن عمل کنند یا به زبان خود تکلم نمایند.»

را از حقوق موضوع ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی محروم ندانیم»^{۲۲}. بنابراین شهروند ندانستن مسلمانان و به رسمیت نشناختن آن‌ها به عنوان اقلیت به هیچ عنوان نمی‌تواند مستمسکی برای محروم ساختن مسلمانان از حقوق بشری خویش باشد.

بند دوم: نقض صلح و حقوق بشر

حق صلح مانند سایر مصادیق نسل سوم حقوق بشر از سویی، غایت تأکید بر حقوق فردی را دنبال می‌کند و از سویی دیگر به اجتماع، اصالت والایی می‌بخشد. از این رو با توجه به مبنای دوگانه این دسته از حقوق، بهتر است گفته شود که حق صلح، پایه‌های بنای خود را بر اصالت اجتماع نهاده تا مأمنی برای حقوق فردی باشد. بدین ترتیب نگاه نسل سوم حقوق بشر به ارزش‌ها و ویژگی‌های جامعه بین‌المللی است که فوریت پیدا کرده‌اند و مبنای تأمین سایر حقوق بشری قلمداد می‌شوند^{۲۳}. دستیابی به صلح در گروهی عدالت و تأمین عدالت، خود در گروهی اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها و دادرسی عادلانه است. بدیهی است که تعیین وصف حقوقی وقایع عینی در شناسایی نهادهای ذیصلاح برای رسیدگی به فجایعی که «وجدان بشریت» را جریحه‌دار می‌کند از اولویت ویژه‌ای برخوردار است.

«بنیادی‌ترین قواعد حقوق بشر در حال حاضر از نظر حقوقی به عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی برای تمام کشورها الزام‌آورند. این قواعد تعهدات همه کشورها در مقابل جامعه بین‌الملل در کل هستند»^{۲۴}. دیوان بین‌الملل دادگستری در سال ۱۹۷۰ قائل بر آن شد که تعهدات کشورها در مقابل کلیت جامعه بین‌الملل شامل حمایت از فرد در برابر جنایت ژنوسید همچون حمایت از اصول و قواعد مربوط به حقوق اساسی افراد انسانی تا اندازه‌ای است که در پیکره حقوق بین‌الملل در کل وارد شده‌اند»^{۲۵}.

وقتی مجمع عمومی در مورد ادعای چند کشور غربی مبنی بر نقض حقوق چند کشیش مسیحی در نقض یک معاهده صلح در بلغارستان، مجارستان و رومانی از دیوان بین‌المللی دادگستری تقاضای رأی مشورتی کرد، دیوان با بیانی صریح گفت که

۲۲. زمانی، «حمایت از اقلیت‌ها در اسناد جهانی حقوق بشر»، ۱۵۴.

۲۳. وکیل، حقوق بشر، صلح و امنیت بین‌المللی، ۱۲۹.

۲۴. جالب آنکه برخی فعالان سیاسی میانمار مانند گروه جونتا معتقدند که اعلامیه جهانی حقوق بشر در مورد

www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910503000561.

میانمار صدق نمی‌کند!

25. Barcelona traction case, ICJ reports 1970, paras 33-34.

صلاحیت پرداختن به موضوع را دارد و استناد به بند هفتم ماده ۲ منشور^{۲۶} را رد کرد. حتی اگر کشوری عضو کنوانسیون‌های حقوق بشری نباشد اصل عدم مداخله همچنان می‌تواند غیر قابل اجرا باشد. بدان دلیل که مقررات معاهده به تدوین حقوق بین‌الملل عرفی دست یازیده یا اینکه بعداً به قواعد حقوق بین‌الملل عرفی توسعه یافته‌اند و بنابراین برای همه کشورهای لازم‌الرعایه‌اند.^{۲۷}

زیستن در صلح حقیقی است که پیش‌شرط بهره‌گیری از حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر می‌باشد، تضمین احترام به صلح نیز متضمن رعایت حقوق بنیادین بشر است. به عبارت ساده «صلح نمی‌تواند باشد اگر حقوق بشر نباشد»^{۲۸}.

پیش از ارزیابی حق صلح باید مفهوم صلح را فهمید. برای برخی صلح تنها به مفهوم نبود جنگ است که مفهوم محدود و مضیقی است و در این نگرش حق صلح تنها محدود به راهکارهای جلوگیری از مخاصمات مسلحانه است. بر پایه نگرش متفاوت دیگر که عمیق‌تر به قضیه می‌نگرد، صلح به مفهوم نبود خشونت ساختاری و بنیادین است. در این دیدگاه آنچه که مهم است کشف و خنثی کردن راه‌های محرک و مولد مخاصمات اجتماعی و سیاسی چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی می‌باشد. این راه‌ها ممکن است شامل فقر، گرسنگی، بی‌سوادی، تبعیض، خشونت، عدم رعایت حقوق بشر، هجوم آوارگان و پناهندگان کشوری به کشور دیگر و غیره باشد، عناصر اخیر خشونت ساختاری را تشکیل می‌دهند. صلح مثبت مجموعه عملیاتی به منظور حذف و ریشه‌کنی این عناصر است که از دلایل بروز درگیری در جهان می‌باشد.^{۲۹}

در جریان تنظیم پیش‌نویس طرح مسئولیت دولت‌ها توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۹۱ در اثنای مباحث مربوط به ماده ۱۹ این توافق حاصل شد که جنایات علیه صلح و امنیت بشر از موارد ذیل منتج می‌شود: «نقض جدی یک تعهد بین‌المللی با اهمیت زیاد برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، نقض جدی یک تعهد

۲۶. بند ۷ ماده ۲ منشور: «هیچ‌یک از مقررات مندرج در این منشور، ملل متحد را مجاز نمی‌دارد در اموری که ذاتاً جزء صلاحیت داخلی هر کشوری است دخالت نماید و اعضاء را نیز ملزم نمی‌کند که چنین موضوعاتی را تابع مقررات این منشور قرار دهند لیکن این اصل به اعمال اقدامات قهری پیش‌بینی شده در فصل هفتم لطمه وارد نخواهد آورد.»

۲۷. وکیل، پیشین، ۱۵۳.

28. Forsyth, *Human Rights and World Politics*, 31.

۲۹. عباسی، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، ۴۰۲.

بین‌المللی با اهمیت حیاتی برای حراست از حق تعیین سرنوشت ملل، نقض جدی یک تعهد در سطح گسترده با اهمیت اساسی برای محافظت و پاسداری از محیط زیست انسانی. کمیسیون در این طرح تفکیک مهمی میان دو مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی و صلح و امنیت نوع بشر مطرح می‌سازد. در دیدگاه اکثریت اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل صلح و امنیت بین‌الملل مترادف با عدم جنگ‌طلبی بوده و ناظر بر روابط مسالمت‌آمیز میان کشورهاست. در حالی که صلح و امنیت نوع بشر دربرگیرنده زمینه‌ای وسیع‌تر بوده و نه تنها اقدامات ارتكابی یک کشور علیه کشور دیگر را در برمی‌گیرد بلکه اقدامات ارتكابی علیه ملت را نیز تحت شمول خود قرار می‌دهد^{۳۰}. رابطه نزدیک و عمیق صلح و حقوق بشر تا بدانجاست که در تبیین عملی این دو مفهوم، هرگاه حقوق بشری نقض گردد به واقع صلح در معرض خطر جدی قرار می‌گیرد.

در بسیاری از کشورها مردم از لحاظ خصایص نژادی، قومی و مذهبی متفاوتند، ویژگی‌هایی که گروه‌هایی متمایز از هم یعنی اقلیت‌ها را پدید آورده است^{۳۱}. اقلیت‌ها آفریده جامعه و تاریخ هستند، با وجود این نقطه شروع معضل هنگامی است که اعضای یک گروه احساس کنند به سبب تعلق به گروه اجتماعی خاص، در معرض تبعیض و بی‌عدالتی مشترکی قرار گرفته‌اند^{۳۲}. در شناسایی حقوق اقلیت‌ها باید به یکی از بنیادی‌ترین حقوق بشری یعنی اصل برابری حیثیت و حقوق انسان‌ها اشاره کرد. «انسان، انسان است و رنگ و پوست، مذهب و تابعیت وی جوهره انسانی‌اش را متفاوت نمی‌سازد»^{۳۳}. اهمیت این حق تا بدان حد است که اولین ماده اعلامیه جهانی حقوق بشر بدان پرداخته است. «تمام افراد بشر آزاد دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همگی دارای عقل و وجدان هستند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند». اصل برابری مستلزم تعهد دولت‌ها در شناسایی حقوق شناخته شده در اسناد حقوق بشری و وضع و اجرای قوانین، بدون هیچ‌گونه تبعیض و تمایز بین افراد می‌باشد که می‌توان آن را مقدمه احترام به دیگر حقوق و آزادی‌های بشری به‌شمار آورد، حقی که در تعامل نزدیک با صلح، زمینه‌های حفظ امنیت بین‌المللی را فراهم می‌سازد.

۳۰. وکیل، پیشین، ۱۵۳.

۳۱. زمانی، «حمایت از اقلیت‌ها در اسناد جهانی حقوق بشر»، ۱۸۱.

۳۲. میتل، «اقلیت چیست»، ۱۱. به نقل از: زمانی، پیشین، ۱۸۱.

۳۳. زمانی، «دیوان بین‌الملل کیفری و صدور قرار بازداشت عمر البشیر»، ۶۶.

بدیهی‌ترین حق انسان زنده ماندن است. زندگی پایه و اساس تمام حقوق انسانی است زیرا همه حقوق وابسته به وجود خود انسان است و بدون وجود انسان، هیچ حقی برای هیچ فردی معنا و مفهومی ندارد. «هرکس حق زندگی دارد»^{۳۴}، «حق زندگی از حقوق ذاتی شخص انسان است، این حق باید به موجب قانون حمایت شود و هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) از زندگی محروم کرد»^{۳۵}. سلب حیات تعداد بی‌شماری از مسلمانان میانمار و تعلق دولت در پیشگیری و ممانعت از کشتار آنان به واقع نقض بدیهی‌ترین حق بشری به‌شمار می‌رود. به رسمیت نشناختن مسلمانان به عنوان شهروند و عدم اعطای تابعیت به آنان نیز منجر به محدودیت و محرومیت ایشان از ابتدایی‌ترین حقوق بشری، از جمله آزادی رفت و آمد، حق انتخاب مسکن، حق تعیین سرنوشت و حق مالکیت شده است.

به موجب اعلامیه جهانی حقوق بشر «هر کس حق دارد که از ملیتی برخوردار باشد و هیچ کس را نمی‌توان به طور خودسرانه از ملیت و نیز حق تغییر ملیت محروم کرد»^{۳۶}. دولت میانمار با عدم اعطای تابعیت به اقلیت مسلمان به واسطه تفاوت در مذهب، نه تنها آنان را از یک حق بشری محروم ساخته بلکه با تحمیل بی‌تابیتی بر شمار کثیری از افراد ساکن در قلمرو سرزمینی خود باعث بروز مشکلات مختلف اقتصادی، اجتماعی و حقوقی گشته که نهایتاً حفظ صلح و آرامش جهانی و اجرای مقررات را با مشکل مواجه خواهد ساخت.

وجود تمایزات مذهبی در طول اعصار مختلف، زمینه ساز جنگ‌های بسیاری بوده است، اهمیت حقوق ویژه این گروه تا بدانجاست که اولین گروه اقلیتی حمایت شده در عرصه بین‌المللی، اقلیت‌های مذهبی بوده‌اند^{۳۷}. مفاد منشور^{۳۸} و اعلامیه جهانی حقوق بشر^{۳۹} نیز صراحتاً احترام جهانی مؤثر به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه را در گروهی عدم تبعیض از حیث نژاد، جنس و زبان یا مذهب دانسته‌اند. اعمال تبعیض به واسطه مذهب و محروم ساختن مسلمانان از حقوق شهروندی به این علت، از جمله

۳۴. ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر.

۳۵. بند ۱ ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.

۳۶. اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۵ بند ۱ و ۲.

۳۷. حمایت از اقلیت‌ها ابتدا در مورد اقلیت‌های مذهبی مطرح گشت.

Lerner, *Group Rights and Discrimination in International Law*, 7.

۳۸. مواد ۱ و ۵۵ منشور.

۳۹. ماده ۲.

موارد آشکار نقض حق بر آزادی مذهب^{۴۰} در میانمار می‌باشد و چه بسا شعله‌های آتش آشوب و درگیری قومی داخلی را به خارج از مرزهای خود کشانده و صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره اندازد^{۴۱}.

بند سوم: تخلف از تعهدات بین‌المللی و قواعد آمره

به موجب مواد ۱ و ۲ پیش‌نویس طرح مسئولیت دولت‌ها، تخلفات دولت‌ها از تعهدات بین‌المللی شان^{۴۲}، مسئولیت بین‌المللی آن‌ها را در پی خواهد داشت. فلذا می‌توان گفت نقض آن دسته از قواعد آمره بین‌المللی که موجبات مسئولیت کیفری فردی را برای فاعل آن فراهم می‌آورد، جنایت بین‌المللی تلقی و زمینه‌ساز مسئولیت دولت خواهد بود، به‌بیان دیگر، جنایت بین‌المللی مربوط به کل جامعه بین‌الملل بوده و به معنای نقض یک تعهد عینی در مقابل کلیه دولت‌هاست.

از جمله تعهدات دولت‌ها در برابر جامعه بین‌المللی به‌عنوان یک کل، می‌توان به جنایت علیه بشریت اشاره کرد، این جنایت عبارت است از جنایت ضد رفتار انسانی که بر خلاف اصول کلی حقوقی می‌باشد، حقوق عرفی بین‌المللی کیفری ارتکاب آن را چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ ممنوع اعلام کرده است. دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه خود مورخ ۲۸ می ۱۹۵۱ در خصوص قضیه ژنوسید ادامه دهنده این دیدگاه است که اصول مندرج در این کنوانسیون، اصولی هستند که توسط ملل متمدن به رسمیت شناخته شده و برای کشورها الزام‌آورند، حتی اگر هیچ تعهد قراردادی در بین نباشد. دیوان اضافه می‌کند که تعهدات الزامی هر کشور به‌موجب این کنوانسیون، جهت

۴۰. مواد ۲ و ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر.

۴۱. مقدمه اساسنامه یونسکو نیز اشعار می‌دارد:

«دولت‌های عضو این اساسنامه از سوی مردم خود اعلام می‌دارند: از آنجا که جنگ‌ها ابتدا در اذهان انسان‌ها آغاز می‌شود، پس باید در افکار انسان‌ها اندیشه پشتیبانی از صلح را بنا نهاد که بی‌توجهی نسبت به زندگی هر یک در طول تاریخ بشریت، دلیل مشترک سوظن و بی‌اعتمادی میان مردم دنیا بوده که اغلب هم، تمایزات آن‌ها منجر به بروز جنگ می‌شود. جنگ بزرگ و هولناکی که اکنون خاتمه یافته است، جنگی بود که با انکار اصول دموکراتیک کرامت، برابری و احترام متقابل انسان‌ها و اشاعه تفکر نابودی انسان‌ها و نژادها در محل زندگی آن‌ها پدید آمده بود. که انتشار عمیق فرهنگ و آموزش حقوق بشری برای عدالت و آزادی و صلح برای کرامت انسان ضروری بوده و تعهد مقدسی را تشکیل می‌دهد که تمام ملل باید با نیت همکاری و نگرانی دو طرفه آن را ایفا کنند.»

۴۲. ممکن است این تعهدات ناشی از معاهده، حقوق بین‌الملل عرفی و یا قواعد آمره بین‌المللی باشند.

جلوگیری و مجازات جنایت ژنوسید، محدود به سرزمین و قلمرو کشورها نیست. هر چند که کنوانسیون، صلاحیت رسیدگی را محدود به دادگاه‌های محلی ارتکاب این اعمال می‌کند.^{۴۳}

ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری ارتکاب این جنایت را در چارچوب یک تهاجم گسترده یا سازمان‌یافته برضد هر جمعیت غیرنظامی با علم به آن تهاجم پیش‌بینی و به شرح مصادیق آن پرداخته است، «الف) قتل عمد (ب) نابودسازی (ج) برده‌گیری (د) اخراج یا انتقال اجباری جمعیت (ه) حبس کردن یا ایجاد محرومیت شدید دیگر از آزادی جسمانی که برخلاف قواعد اساسی حقوق بین‌الملل ایجاد شود (و) شکنجه (ز) تجاوز جنسی، برده‌گیری جنسی، فاحشگی اجباری، حاملگی اجباری، عقیم‌سازی اجباری یا هر شکل دیگر از خشونت جنسی همسنگ این موارد (ح) آزار مداوم هر گروه یا مجموعه مشخص به علل سیاسی، نژادی، قومی، ملی، فرهنگی، مذهبی، جنسی به معنای مذکور در بند ۳ یا بر اساس سایر معیارهایی که بالاتفاق در حقوق بین‌الملل غیرمجاز شناخته شده است در ارتباط با هر عملی که در این بند به آن اشاره شده یا هر جرمی که رسیدگی به آن در صلاحیت دیوان است. (ط) ناپدید کردن اجباری اشخاص (ی) جرم تبعیض نژادی (ک) اعمال غیرانسانی مشابه دیگری که عمداً به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا تمامیت جسمی یا روحی صورت پذیرد». امکان وقوع این جنایت، پیرو سیاست یک عامل دولتی یا غیردولتی، محلی از اختلاف نمی‌باشد و لازم نیست این اقدامات منتهی به یک تعرض نظامی گردد. تفاهم بر آن است که سیاست ارتکاب چنین تعرضی ایجاب می‌نماید که یک دولت یا سازمان به طور جدی چنین تعرضی به یک جمعیت غیرنظامی را تشویق کرده و از آن حمایت به‌عمل آورد. آنچه در مقوله جنایت ضد بشریت اهمیت می‌یابد وقوع فعل انسانی در قالب یک هجمه گسترده یا سازمان‌یافته بر ضد جمعیت غیر نظامی و کفایت علم اعتباری جهت وقوع آن است.

با توجه به مطالب گفته شده فاجعه میانمار اصول انسانیت و قواعد حاکم بر آن را به استناد بندهای ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری زیر پا نهاده و آنچه بیش از پیش وجدان جمعی بشریت را می‌آزارد سازمان‌یافتگی یا گسترده بودن جنایات رخ داده است که خود مدلولی از وجود سیاستی جهت ارتکاب این اعمال خواهد بود.

بدیهی‌ترین جنایت ارتكابی در بحران اخیر میانمار، جنایت قتل است، آنچه در چارچوب اساسنامه دیوان تحت این عنوان مطرح نظر است کشتن غیر قانونی یک انسان، به‌عنوان بخشی از یک تعرض سازمان‌یافته به جمعیتی غیر نظامی، که قربانی، یکی از اعضای آن به‌شمار می‌رود، می‌باشد. تحقق این جنایت منوط به مرگ قربانی در اثر فعل یا ترک فعل غیر قانونی متهم یا زیر دست وی به شرط قصد سلب حیات است. تصمیم دولت میانمار در انتقال و ایجاد مناطق عاری از مسلمانان بخشی از جنایاتی است که بر مسلمانان روا داشته شده است، بیرون راندن به معنای خارج ساختن و راندن اشخاص به سرزمین کشور دیگر و انتقال اجباری؛ ناظر بر انتقال اجباری اشخاص به نقطه دیگری در سرزمین همان کشور است. این دو جنایت یا به‌صورت اقدامات مستقیم (همانند آنچه که در پرونده بلازکیچ و رسیدگی دادگاه یوگسلاوی سابق علیه متهمان مطرح شد) و یا به‌صورت اقدامات غیر مستقیم (همانند گلوله‌باران سنگین، حملات مسلحانه به دهکده‌ها، کشتار گسترده و تخریب مناطق مسکونی) محقق می‌گردد. کشتار گسترده و تخریب مناطق مسکونی از جمله اقدامات غیر مستقیمی است که می‌تواند وقوع این جنایت را در میانمار محقق سازد. لازم به ذکر است؛ عنصر اجبار در ارتكاب این جنایت به مفهوم توسل به زور و جبر مادی نبوده بلکه ایجاد ترس از خشونت‌های ایجاد شده در بین مسلمانان روهینگی‌ها و همچنین سوءاستفاده‌های صورت گرفته از قدرت، علیه آنان را نیز می‌توان از عناصر تحقق این جنایت تلقی نمود. آنچه که آتش این بحران را به دامان جامعه بین‌الملل خواهد کشاند اظهارات مستقیم رئیس جمهوری کشور میانمار در عدم به‌رسمیت شناختن مسلمانان و تأکید بر دو راه حل انحصاری، اخراج یا اسکان در اردوگاه‌های آوارگان سازمان ملل می‌باشد^{۴۴}، اظهاراتی که در مقام اقرار، می‌تواند مبنای اقدامات وحشیانه علیه مسلمانان میانمار و تحقق جزء (د) بند ۱ ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به‌شمار رود.

برابر جزء (ه) بند ۲ ماده ۷ اساسنامه دیوان، شکنجه عبارت است از «ایراد عمدی درد یا رنج شدید، خواه جسمی یا روانی، نسبت به شخصی که در توقیف یا تحت اقتدار متهم [به شکنجه] است». چنانچه در کنفرانس رم ملحوظ است جنایت شکنجه بر ضد انسانیت ممکن است در نتیجه تحریک یا به اشاره یک دولت یا تشکیلات

۴۴. تین‌سین، رئیس‌جمهور میانمار در سخنانی گفت: مسلمانان یا باید در اردوگاه‌های آوارگان متمرکز شده و

یا اخراج شوند. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=139104270012871>, last visited:92/1/21.

غیردولتی ارتکاب یابد. از همین رو در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری ضرورت دخالت قدرت رسمی ذکر نشده است. همچنین اساسنامه از ذکر عنصر هدف نیز خودداری نموده است. حقیقتاً شکنجه، درد یا رنج شدید جسمانی یا روانی است؛ زنده‌زنده سوزاندن مسلمانان در حلقه‌های آتش تعصب و نژادپرستی چیزی جز اعمال شدید درد و رنج جسمانی نخواهد بود. زیستن در سایه وحشت از سرنوشتی چنین دهشتناک آیا جز رنج شدید روانی وصف دیگری خواهد داشت؟ آنچه به استناد اخبار واقع شده است، ارتکاب جنایت شکنجه تحت ماده ۷، بند ۱، جزء (و) می‌باشد، جنایتی که گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل نیز در گزارش خود بر آن صحنه گذاشته است.^{۴۵}

اعمال خشونت‌های جنسی را شاید بتوان یکی از ابزارهای انتقام‌جویی در مخاصمات بین‌المللی، درگیری‌ها و شورش‌های داخلی دانست که فجایعی چنان هولناک و تأثیربرانگیز را به بار می‌آورد که زبان را یارای بیان آن نیست. خصیصه ضدانسانی و مغایر اصول کلی حقوقی چنین اقداماتی، سبب شمول جنایات جنسی در زمره جنایت علیه بشریت شده است. ذیل این عنوان جرائمی چون هتک ناموس به عنف، برده‌گیری جنسی، به فحشا واداشتن، اجبار به حاملگی و خشونت جنسی قرار می‌گیرد. دادگاه یوگسلاوی سابق (در پرونده فوروندزیجا) و نیز دادگاه رواندا (در پرونده آکایه سو) تمام سوءرفتارهای مهم و هر تعرض فیزیکی یا اخلاقی که با خصیصه جنسی و در اوضاع و احوال اجبارآمیز ارتکاب یافته باشند را خشونت جنسی معرفی کرده‌اند. کمیسیون مقدماتی دیوان نیز با پذیرش چنین تعریفی، در تبیین مفهوم اوضاع و احوال اجبارآمیز، موارد «اجبار ناشی از ترس از خشونت، اکراه، توقیف، فشار روانی، سوءاستفاده از قدرت و ...» را، به تصویب رساند. با شروع درگیری‌ها در میانمار، به‌کرات شاهد انتشار اخبار تجاوز و خشونت جنسی نسبت به زنان مسلمان هستیم، وقوع چنین جنایتی تا بدان حد آشکار است که آقای اوجئا کوییتانا گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل علی‌رغم تلاش بسیاری که در محتاطانه و محافظه‌کارانه تنظیم نمودن گزارش خویش داشته در پاراگراف بیستم گزارش خود وقوع خشونت‌های جنسی را تأیید نموده است.^{۴۶} سازمان عفو بین‌الملل نیز در بیانیه صادره خود نیروهای امنیتی میانمار و ساکنان بودایی این کشور را درکشتر،

45. Statement of the Special Rapporteur on the Situation of Human Rights in Myanmar, cited in www.ohchr.org/en/newsevents/pages/displaynews.aspx?newsID=12405&langID=E

46. *Ibid.*

تجاوز(جنسی) و شکنجه مسلمانان متهم دانسته است.^{۴۷}

ابعاد فاجعه انسانی رخ داده در میانمار چنان وسیع است که می‌توان هر یک از جنایات واقع شده از جمله قتل، کشتار، هتک ناموس به عنف و تخریب مساکن و مساجد مسلمانان را تحت عناوین مستقل مجرمانه مذکور در اساسنامه دیوان برشمرد. همچنین، عملکرد جامعه بین‌الملل در مقابله با وقوع جنایات بین‌المللی حاکی از آن است که می‌توان هر یک از جرم‌های فوق را نیز به تنهایی و فارغ از درجه اهمیت، به‌عنوان جنایت زجر و آزار مورد پیگرد قرار داد. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری این جنایت را ذیل عنوان جنایت علیه بشریت در جزء (ح) بند ۱ پیش‌بینی نموده است و در تعریف آن (بند ۲) مقرر می‌دارد زجر و آزار مداوم عبارت است از «محروم کردن عمدی و شدید از حقوق اساسی برخلاف حقوق بین‌الملل به دلیل هویت آن گروه و مجموعه». آنچه در این مقال قابل توجه است اینکه، به استناد رأی دادگاه نورنبرگ در قضیه استرایکر تهییج و تشویق به قتل از طریق بیانات انجام شده را نیز می‌توان ذیل این عنوان و به دلایل سیاسی و نژادی محکوم ساخت.^{۴۸}

نسل‌کشی جدی‌ترین جنایتی است که در میانمار در حال وقوع است، آنچه که دادگاه رواندا در پرونده کامبندا^{۴۹} از آن به جنایت جنایات یاد کرده و جامعه بین‌الملل با کمترین اختلاف، آن را درزمره صلاحیت‌های دیوان بین‌المللی کیفری پذیرفته است. به استناد ماده ۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نسل‌زدایی عبارت است از: «ارتکاب هر یک از اعمال مشروحه زیر علیه یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی که با قصد نابود کردن کلی یا جزئی آن‌ها به دلیل دارا بودن این اوصاف صورت می‌گیرد، الف) کشتار اعضای یک گروه ب) ایراد آسیب جسمی یا روانی جدی به اعضای یک گروه ج) قرار دادن عمدی یک گروه در معرض شرایط نامساعد زندگی به انتظار نابودی فیزیکی کلی یا جزئی آن گروه د) تحمیل تدابیری به قصد جلوگیری از زاد و ولد در یک گروه ه) انتقال اجباری کودکان یک گروه به گروه دیگر»^{۵۰}. برای تحقق نسل‌زدایی

47. <http://www.mehrnews.com/TextVersionDetail/1656137>, last visited 92/1/24

۴۸. دادگاه نورنبرگ شخصی به نام استرایکر را به دلیل تهییج و تشویق از طریق بیانات مسموم در چارچوب تبلیغاتی که درست در زمانی که یهودیان در هول‌انگیزترین شرایط، قتل عام می‌شدند، نفرت از قوم یهود را توصیه می‌کرد، به اتهام زجر و آزار به دلایل سیاسی و نژادی گناهکار دانست. شیاوری، حقوق بین‌الملل کیفری، ۲۲۰.

49. T. Ch. Kambanda

۵۰. این تعریف در ماده ۲ کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی ۱۹۴۸ و بند ۲ ماده ۴ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق و بند ۲ ماده ۲ اساسنامه دادگاه رواندا عیناً ذکر شده است.

نیاز است که یکی از اعمال مشروح در ماده ۶ اساسنامه دیوان، توأمان با عنصر روانی این جرم یعنی قصد نابود کردن دست کم جزیی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی به دلیل دارا بودن این ویژگی، اتفاق بیفتد. قصد ضروری برای اثبات نسل‌زدایی را می‌توان از طریق وقایعی چند استنباط نمود، از قبیل؛ گفتار، اعمال یا نمونه‌ای از رفتار هدفمند که عامدانه، پیوسته و سازمان‌یافته قربانیان را بخاطر تعلق به گروهی خاص هدف قرار داده در حالیکه اعضای سایر گروه‌ها را مستثنا می‌کند. به استناد رأی ۲۰۰۷ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بوسنی علیه یوگسلاوی «دولت‌ها طبق ماده یک کنوانسیون جلوگیری و مجازات نسل‌کشی نه تنها خود موظفند از چنین عملی خودداری کنند، بلکه مکلف‌اند که از بروز چنین رخدادی نیز جلوگیری به عمل آورند».

وقوع جنایت نسل‌کشی به دو صورت فعل و ترک فعل متصور است، فلذا بیانات تهییج کننده‌ی^{۵۱} رئیس‌جمهوری میانمار^{۵۲}، خشونت‌های ددمنشانه اعمال شده علیه مسلمانان، از قبیل به آتش کشیدن، تخریب منازل و مساکن و نیز تعلل دولت میانمار در پیشگیری از وقوع فجایع رخ داده^{۵۳}، ممانعت از تشکیل کمیسیون تحقیق، به ترتیب از مصادیق فعل و ترک فعل تحقق این جنایت می‌توانند به‌شمار روند.

گفتار دوم: صلاحیت‌های خاص شورای امنیت،

سازوکاری برای مواجهه با بحران میانمار

با آنکه دیوان بین‌المللی کیفری به‌عنوان نهاد حقوقی مجری عدالت و شورای امنیت

۵۱. تهییج و تشویق نوعی از مداخله در جنایات بین‌المللی است که منحصراً در ارتباط با نسل‌زدایی قابل مجازات است. نک: کیتی شیایزری، پیشین، ۴۵۸.

۵۲. از آنجا که نسل‌زدایی یک جنایت پر اهمیت بین‌المللی است، تهییج و تشویق مستقیم و علنی به ارتکاب آن نیز باید حتی در مواردی که نتیجه مورد نظر شخص تهییج و تشویق کننده واقع نگردد کیفر داده شود. به عبارت دیگر، این بزه به رسته جرایم ناتمام تعلق دارد که صرف‌نظر از حصول یا عدم حصول نتیجه مجرمانه، قابل مجازات هستند. همان، ۴۶۰.

۵۳. در پرونده کامباند متهم علاوه بر سایر موارد به خاطر امتناع از انجام وظایف خویش در مقام نخست وزیر رواندا، جهت اتخاذ تدابیری به‌منظور متوقف کردن قتل عام‌هایی که وی از ارتکاب آن‌ها آگاهی داشته و با محافظت از کودکان و مردم عادی در قبال قتل عام‌های احتمالی پس از آن که شخصاً انجام موارد فوق از وی درخواست شده و وی با خودداری از هرگونه اقدام وقوع قتل عام‌ها را باعث شده است بود، محکوم به نسل‌کشی گردید. Prosecutor v. Jean Kambanda, case No. ICTR-97-23-s, ICTR T.Ch., 4 sept. 1998, para 39.

به نقل از همان، ۱۴۴.

به‌عنوان نهاد سیاسی حافظ صلح، مستقل از یکدیگر و در چارچوب صلاحیت‌ها و اقتدارات خویش عمل می‌کنند، لیکن به نظر می‌رسد دو مولفه عدالت و صلح که به ترتیب هدف غایی این دو نهاد بین‌المللی محسوب می‌شوند در پرتو یکدیگر معنا می‌یابند. اهمیت صلح و برپایی عدالت از یک سو و عدم تمایل دولت‌ها در پذیرش صلاحیت جهانی نهادی بین‌المللی از سوی دیگر و نیز پیش‌بینی پیش‌شرط مذکور در ماده ۱۲، نگارندگان اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری را بر آن داشت تا با در نظر آوردن مصلحت نسل‌های کنونی و آینده، روزه‌ای به سوی صلاحیت جهانی نهادی بین‌المللی از طریق برقراری تعامل بین شورای امنیت و دیوان باز کنند. در این گفتار با بیان تعامل میان دیوان بین‌المللی کیفری و شورای امنیت سازمان ملل به‌موجب بند ۱۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری (بند اول) و سابقه استناد به این ماده (بند دوم) به بررسی امکان اعمال آن در وضعیت میانمار (بند سوم) خواهیم پرداخت.

بند اول: تعامل شورای امنیت و دیوان بین‌المللی کیفری در مقابله با بحران میانمار

اندک زمانی پیش، کمتر کسی گمان می‌برد که جامعه و ستفالیایی بین‌المللی به سوی تحدید حاکمیت دولت‌ها سیر کند و نسبت به رفتار حکومت‌ها با مردم خویش واکنش نشان دهد و نظام حقوقی بین‌المللی در احترام به حقوق بشر پایه‌های خود را بر این اعتقاد مستحکم کند که «آنان که حرمت مردمان خویش را پاس ندارند قطعاً برای حقوق دیگر ملت‌ها نیز هیچ ارزشی قائل نیستند»^{۵۴}.

پس از جنگ جهانی دوم و تأسیس سازمان ملل متحد، شورای امنیت مسؤوول برقراری صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد و پس از سال‌ها تلاش جامعه بین‌المللی (پیش از ۵۰ سال) برای ایجاد سازوکاری جهت تضمین احترام مؤثر به عدالت بین‌المللی، دیوان بین‌المللی کیفری در سال ۲۰۰۲ پای به عرصه وجود نهاد. اعمال صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری به موجب ماده ۱۳ اساسنامه به سه طریق ممکن است، ارجاع وضعیت توسط یک دولت عضو (بند الف)، ارجاع وضعیت به دادستان توسط شورای امنیت (بند ب)، آغاز تحقیقات توسط دادستان دیوان (رأسا) (بند ج). در ارجاع وضعیت توسط دولت‌ها و یا اقدامات دادستان، تابعیت مجرم و یا عضویت دولتی که جرم در قلمرو آن اتفاق افتاده پیش‌شرط اعمال صلاحیت دیوان محسوب می‌گردد (ماده ۱۲). پیش‌بینی

۵۴. زمانی، «شورای امنیت و ارجاع وضعیت دارفور (سودان) به دیوان کیفری بین‌المللی»، ۸۹.

چنین پیش‌شرطی، عملاً دولت‌های غیرعضو (از جمله دولت میانمار) را از حوزه صلاحیت دیوان خارج خواهد کرد.

همان‌طور که بیان شد، نگارندگان اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری با در نظر آوردن مصلحت نسل‌های کنونی و آینده و با پیش‌بینی ساز و کار ماده ۱۳ اساسنامه دیوان، روزنه‌ای به سوی صلاحیت جهانی نهادی بین‌المللی از طریق برقراری تعامل بین شورای امنیت و دیوان بین‌المللی کیفری گشودند. به عبارت دیگر، دیوان بین‌المللی کیفری به موجب بند ب ماده ۱۳ و در موارد ارجاع شورای امنیت از نوعی صلاحیت جهانی برخوردار گشته است. یعنی ماده ۱۳ سازوکار حمایتی مؤثری برای حفاظت از صلح در برابر تهدیدات و یا نقض آن توسط دولت‌های غیرعضو اساسنامه و اجرای عدالت به‌شمار می‌رود.

با این حال، ارجاع شورای امنیت به دیوان بین‌المللی کیفری تنها در صورت احراز شرایطی میسر می‌باشد؛ اولاً شورا باید موارد تهدید و نقض صلح و یا عمل تجاوزکارانه را احراز نماید. ثانیاً، ارجاع شورای امنیت باید در جهت حفظ صلح و یا اعاده امنیت بین‌المللی باشد. ثالثاً، شورا می‌تواند صرفاً یک وضعیت را (که فصل هفتم به آن پرداخته) از رهگذر یک تصمیم به موجب مواد ۳۹ و ۴۱ منشور به دیوان ارجاع دهد. منظور از یک وضعیت صرف، عدم امکان ارجاع یک پرونده خاص به دیوان می‌باشد، اگرچه استثنای این شرط مواردی است که یک پرونده خاص بر کل وضعیت مورد توجه شورای امنیت تأثیرگذار است.

بند دوم: سابقه استفاده شورای امنیت از سازوکار ماده ۱۳

فعالیت یافتن سازوکار ماده ۱۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری را می‌توان در اقدام بی‌سابقه شورای امنیت در ارجاع وضعیت دارفور^{۵۵} به دیوان بین‌المللی کیفری مشاهده

۵۵. از زمانی که سودان در سال ۱۹۵۶ از انگلستان استقلال یافت، این کشور صحنه جنگ‌های خونین داخلی میان عرب‌های شمال کشور که قدرت را در اختیار دارند و مسیحیان و دیگر اقوام مستقر در جنوب کشور بوده است. منطقه دارفور که در غرب سودان قرار گرفته و حدود ۱۷۰۰۰۰۰ نفر در آن ساکن هستند نیز همواره از درگیری قومی و قبیله‌ای در رنج بوده است. درگیری‌های نظامی خونین تقریباً از فوریه ۲۰۰۳ آغاز شد. از زمان شروع درگیری‌ها در دارفور حدود ۲۰۰۰۰۰۰ نفر کشته شدند. کشتار غیرنظامیان توسط نیروهای دولتی سودان به همراهی و هماهنگی شبه نظامیان بسیار وسیع بوده است. شبه نظامیان، زنان و دختران بی‌شماری را مورد تجاوز قرار دادند، صدها روستا را از بین برده و منابع آب را آلوده ساختند. در پی این امر بیش از یک میلیون نفر خانه‌های خود را ترک کردند و به سوی اردوگاه‌های پناهندگان در سودان و شرق چاد روانه شدند. تلفات انسانی

کرد. شورای امنیت اولین گام‌های خود را با صدور قطعنامه ۱۵۶۴ و درخواست تشکیل کمیسیون بین‌المللی تحقیق در مورد نقض حقوق بشر در دوستانه و حقوق بشر در دارفور^{۵۶}، برداشت. متعاقب این درخواست به موجب قطعنامه ۱۵۹۳ وضعیت دارفور را به‌عنوان اولین مورد اجرای ماده ۱۳ اساسنامه دیوان^{۵۷} به دادستان دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع نمود^{۵۸}. «شورای امنیت با ارجاع وضعیت دارفور به دیوان راهی را گشود که در تاریخ ثبت خواهد شد»^{۵۹}.

مورد دیگر اعمال صلاحیت شورای امنیت در قالب ماده ۱۳ که دارای ابعاد حقوقی نوینی از جمله مسؤولیت حمایت می‌باشد، ارجاع وضعیت لیبی به دیوان بین‌المللی کیفری است. شورای امنیت با صدور قطعنامه ۱۹۷۰ و ارجاع وضعیت لیبی به دادستان^{۶۰}، درخواست پیگیری قضیه لیبی و جرایم ارتكابی پس از پانزدهم فوریه ۲۰۱۱ از سوی مقامات لیبی را مطرح و از او می‌خواهد که آن را در دستور کار خویش قرار داده و مقامات لیبیایی که در کشتار مردم دست داشته‌اند را مورد پیگرد قرار دهد. پس از آن با صدور قطعنامه ۱۹۷۳ و ایجاد منطقه پرواز ممنوع، اجازه مداخله نظامی کشورها

این درگیری‌ها با جلوگیری سودان از دسترسی نهادهای بشردوستانه بین‌المللی به منطقه دارفور تشدید شد و فرستاده آژانس‌های ملل متحد بحران دارفور را یکی از شدیدترین بحران‌های انسانی در جهان توصیف کرد. همچنین کمیساریای عالی حقوق بشر در گزارش خود راجع به وضعیت حقوق بشر در دارفور (مه ۲۰۰۴) اعلام نمود که نقض حقوق بشر در دارفور به صورت گسترده، برنامه ریزی شده، توسط دولت سودان و شبه نظامیان وابسته به آن صورت پذیرفته است، به نحوی که این نقض‌ها جرائم جنگی یا جرائم علیه بشریت قلمداد می‌شوند. نک: زمانی، «دیوان بین‌المللی کیفری و صدور قرار بازداشت عمرالبشیر»، ۱۸-۱۶.

56. Resolution 1564 (2004) Adopted by the Security Council at its 5040th meeting, on 18 September 2004, cited in http://www.un.org/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/1564%282004%29
 ۵۷. در چهارم مارس ۲۰۰۹ (۱۳ اسفند ماه ۱۳۸۷) به رغم فشارهای بین‌المللی مختلف، دیوان کیفری بین‌المللی قرار جلب رئیس جمهور سودان حسن عمرالبشیر را به اتهام مشارکت غیر مستقیم در ارتكاب جنایت جنگی و جنایات علیه بشریت در دارفور صادر نمود. نک: زمانی، «دیوان بین‌المللی کیفری و صدور قرار بازداشت عمرالبشیر»، ۱۳.

58. Resolution 1593 (2005) Adopted by the Security Council at its 5158th meeting, on 31 March 2005, cited in http://www.un.org/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/1593%282005%29
 ۵۹. وقتی شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۱۵۹۳ در ۳۱ مارس ۲۰۰۵ وضعیت دارفور از اول ژوئیه ۲۰۰۲ را به دادستان دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع داد همگان نیک دریافتند که ماده ۱۳ (بند ب) اساسنامه دیوان دارای جنبه صرفاً سمبولیک نیست و می‌تواند حتی کشورهایی را که هنوز اساسنامه دیوان را تصویب نکرده‌اند تحت تأثیر قرار دهد. نک: زمانی، «دیوان بین‌المللی کیفری و صدور قرار بازداشت عمرالبشیر»، ۸۸-۶۳.

60. Resolution 1970 (2011) Adopted by the Security Council at its 6491st meeting, on 26 February 2011, cited in http://www.un.org/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/1970%282011%29

در لیبی را صادر می‌نماید.^{۶۱}

بند سوم: شورای امنیت در برابر آزمون میانمار

با توجه به شرایط لازم برای امکان ارجاع وضعیتی توسط شورای امنیت به دیوان بین‌المللی کیفری، باید گفت که شورا در این راستا باید بتواند وضعیت عینی رخ داده را تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی طبق فصل هفتم منشور تلقی نماید. پیش از ورود به فصل هفتم لازم است تا شورای امنیت اقدامات تحقیقی خود را برای ارزیابی بحران و تعیین حدود به خطر افتادن صلح، به‌عمل آورد. «شورای امنیت در مقام حافظ نظم و امنیت بین‌المللی باید ابتدا نوع آفتی را که گریبانگیر جهان شده است معین کند»^{۶۲}. به مخاطره افتادن صلح بین‌المللی تنها با بروز اختلافات میان دول جامعه بین‌المللی محقق نمی‌گردد، بلکه گاه بحران‌های داخل در مرزهای یک کشور از چنان شدتی برخوردارند که می‌توانند تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی گردند.^{۶۳}

مفهوم تهدید علیه صلح مذکور در ماده ۳۹ مبنی بر وضعیتی است که به طور مؤثر صلح را به خطر می‌اندازد. «در این صورت آن بحرانی که برای صلح مخاطره آمیز است دو خصیصه دارد؛ یکی اینکه انفجارآمیز است و دیگری اینکه نتیجه نقض تعهدی بین‌المللی است»^{۶۴}. انفجارآمیز بودن بحران بنا به مورد یا دارای ریشه بین‌المللی است یا داخلی. ریشه انفجارآمیز بودن بحران زمانی بین‌المللی است که رفتار کشور بحران ساز چنان تجاوزکارانه و یا تحریک‌آمیز باشد که همسایگانش را مرعوب سازد و یا فضای بین‌الملل را چنان مسموم نماید که کوچک‌ترین برخوردی منجر به جنگ شود.^{۶۵} اما آنچه بحران داخلی را انفجارآمیز می‌سازد سیاست داخلی تحمل‌ناپذیر یک کشور برای سایر کشورهای جامعه بین‌المللی است و این تحمل‌ناپذیری ناشی از نقض موازین مسلم حقوقی است.^{۶۶} به عقیده برخی اندیشمندان، به صرف وجود دولت‌هایی «که با اعمال

61. Resolution 1973 (2011) Adopted by the Security Council at its 6498th meeting, on 17 March 2011, cited in http://www.un.org/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/1973%282011%29

۶۲. فلسفی، «شورای امنیت و صلح جهانی»، ۵۱.

۶۳. همان، ۵۸-۵۷.

64. Combacau, *Le pouvoir de sanction de l'ONU*, 100.

۶۴. به نقل از فلسفی، پیشین، ۶۰.

۶۵. همان، ۶۰.

۶۶. فی‌المثل، کشورهای آفریقایی همواره سیاست کشور یا سرزمین‌هایی را که زیر سلطه اقلیتی سفیدپوست بوده است، مورد نكوهش قرار داده و به کرات اعمال آن سیاست‌ها را خطری جدی برای صلح و امنیت جهانی

سیاست‌های ددمنشانه، موازین ابتدایی حقوق انسانی را نقض کرده‌اند»^{۶۷}، عامل انفجار آمیز بودن محقق می‌گردد. هرچند شورای امنیت با توجه به اوضاع و احوال سیاسی جهان همواره در تلقی وضعیتی به‌عنوان بحران بین‌المللی و رسیدگی به آن در چارچوب فصل هفتم، با احتیاط گام برداشته و تنها مواردی را بحران بین‌المللی دانسته که خطری بالفعل برای صلح بین‌المللی باشند؛ به‌بیان دیگر فعلیت داشتن و تداوم بحران عملاً در اطلاق وضعیت به‌عنوان تهدید علیه صلح تأثیر بسزایی دارد.

خصیصهٔ دیگر موجد تهدید، نقض تعهد بین‌المللی است که «از تبیین حقوقی وقایعی استنباط می‌شود که بنا به مورد، جنایتی ضد بشری، سست عهدی کشور نماینده، وضعیت عینی ناقض مقررات حقوق بین‌الملل و یا زیر پا گذاشتن حق استقلال یا حق مردم در تعیین سرنوشت خود، قلمداد شده است»^{۶۸} و به نظر برخی، نقض اصول و قواعد حقوق بین‌الملل یقیناً، عنصر حقوقی تهدید صلح به‌شمار می‌آید.

با توجه به آنچه گفته شد، سیاست دولت میانمار در تبیین نظام حقوقی شهروندی مغایر با موازین مسلم حقوقی و استانداردهای اساسی حقوق بشری و اجرای آن و نیز نادیده انگاشتن موجودیت و حقوق مسلمانان به‌عنوان اقلیت مذهبی در کشور و اعمال سیاست‌های تبعیض آمیز، عدم پیشگیری از تعرضات و خشونت علیه مسلمانان و نقض حقوق ابتدایی انسانی، مولد انفجار و بحران داخلی به‌شمار می‌آید. در مقولهٔ نقض تعهد بین‌المللی آنچه به‌عنوان بالاترین تعهد معاهده‌ای جامعهٔ بین‌الملل مسلم است، تعهد در قبال مفاد منشور سازمان ملل می‌باشد. دولت‌های عضو سازمان ملل ملزم به احترام و تضمین رعایت اصول و قواعد مندرج در منشور به‌موجب حقوق معاهده‌ای هستند. دولت میانمار نیز به‌عنوان یک عضو جامعهٔ بین‌المللی با تصویب و اجرای قانون شهروندی ۱۹۸۲ که برخی مفاد آن، نه تنها ناقض مستقیم حقوق بشر بلکه دارای تالی فاسد نیز می‌باشند، آشکارا تعهد خویش در التزام و تضمین به احترام نسبت به اهداف، اصول و مفاد منشور را (به‌عنوان تعهدی معاهده‌ای) نقض کرده است.

همچنین عدم عضویت شماری از اعضای جامعهٔ بین‌المللی در برخی از معاهدات حقوق بشری، راهی برای شانه خالی کردن این دولت‌ها از تعهدات عرفی، تعهدات

قلمداد کرده‌اند. نک: فلسفی، پیشین، ۶۱-۶۰.

۶۷. همان.

۶۸. همان، ۶۹.

تخلف‌ناپذیر بین‌المللی و اصولی که به‌عنوان قاعدهٔ آمره توسط جامعهٔ بین‌الملل پذیرفته شده‌اند، نخواهد بود.

همچنین با توجه به قطعنامهٔ ۱۹۷۰ شورای امنیت در بحران لیبی، شورا با عنایت به مسؤولیت حمایت، بخوبی ارتباط تنگاتنگ صلح، عدالت، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و نیز لزوم پرداختن به این مقوله را از منظر آنان که نیازمند حمایت هستند، روشن ساخته است. باید گفت هستهٔ مفهوم مسؤولیت حمایت در این اصل نهفته است که حاکمیت متضمن مسؤولیت می‌باشد و مسؤولیت اولیهٔ حمایت از مردم هر دولت با خود آن دولت است و اگر آن دولت از ایفای این مسؤولیت قصور ورزد، این مسؤولیت بر عهدهٔ جامعهٔ دولت‌ها قرار می‌گیرد. هر دولتی مسؤولیت حمایت از جمعیت خود در برابر نسل‌کشی، جنایات جنگی، پاکسازی قومی و جنایت علیه بشریت را به عهده دارد. مسؤولیتی که متوجه دولت میانمار بوده و در بحران اخیر در اجرای آن اهمال ورزیده است.

خلاصه اینکه، به نظر می‌رسد وضعیت عینی موجود در میانمار می‌تواند تحت فصل هفتم منشور و تهدید علیه صلح مورد توجه قرار گرفته و موجد اقدامات شورای امنیت از قبیل درخواست تشکیل کمیسیون تحقیق و حسب مورد، ارجاع به دیوان بین‌المللی کیفری، گردد.

نتیجه‌گیری

آنگاه که ملل متحد پس از تجربهٔ مرگ میلیون‌ها انسان در سراسر گیتی به اندیشهٔ پایان بخشیدن به بی‌عدالتی در جهان، اقدام به تحقق رویای خود و ایجاد یک نهاد دائمی کیفری بین‌المللی نمود، گمان نمی‌کرد که استقرار این دیوان در کمتر از چهارسال (در ژوئیه ۲۰۰۲) بتواند روزه‌های حقوقی مؤثری در رسیدگی‌های خود ایجاد نماید و به حق، آن را به دستاوردی با ارزش برای جامعهٔ بین‌المللی بدل سازد.

صلح و عدالت، دو مفهوم بنیادین در نظم حقوق بین‌الملل به‌شمار می‌روند. صلح، پایه‌های خود را در تضمین و احترام به رعایت حقوق بشر مستحکم نموده و حقوق بشر موجودیت صلح را تضمین می‌نماید، در این مسیر حقوق موضوعه با تبیین ترتیباتی برای اجرای عدالت، حامی صلح و حقوق بشر به‌شمار می‌آید. یکی از اهداف ملل متحد، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است و برای تحقق آن اقدام به تأسیس نهادهایی نموده است تا مسؤولیت ارتقاء و حمایت از حقوق بشر و صلح را به عهده

بگیرند از جمله، شورای امنیت، مجمع عمومی و کمیسیون حقوق بشر که بعدها جای خود را به شورای حقوق بشر داد. در این میان مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عهده شورای امنیت گذاشته شده است.

صلح، تنها در پرتوی عدالت است که می‌تواند خود را به منصفه ظهور برساند، از این‌رو برقراری تعامل میان نهاد حافظ صلح (شورای امنیت) و نهاد مجری عدالت (دیوان کیفری بین‌المللی) امری ضروری در برقراری امنیت جهانی به‌شمار می‌رود. نگارندگان اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی با پیش‌بینی ماده ۱۳ اختیارات شورای امنیت را در ارجاع موضوع، در چارچوب فصل هفتم به دیوان بین‌المللی کیفری -فارغ از متعاقد بودن یا نبودن دولت ذریبط- گسترش داده‌اند. به بیان دیگر، موارد ارجاعی از سوی شورای امنیت به دیوان بین‌المللی کیفری، این دیوان را (دست کم) در رسیدگی به این موارد خاص، واجد صلاحیت جهانی نموده است.

اولین اقدام شورای امنیت در اعمال سازوکار ماده ۱۳ اساسنامه دیوان، ارجاع وضعیت دارفور سودان به دیوان بین‌المللی کیفری بود که می‌توان آن را به منزله اقدامی جسورانه دانست، اقدامی که زنگ خطری جدی برای دولت‌های غیرعضو و یا ناقض حقوق بشر به‌شمار می‌رود. شورای امنیت با ارجاع وضعیت لیبی به دیوان بین‌المللی کیفری و با تثبیت صلاحیت خود در اجرای ماده ۱۳ نشان داد که جامعه جهانی «بی شک اغماض و چشم‌پوشی نسبت به جنایات بین‌المللی و نقض‌های سیستماتیک و گسترده حقوق اساسی بشر را خیانت به وحدت انسانی با قربانیانی می‌داند که در مقابل آن‌ها مکلف به دادرسی و جبران خسارت است»^{۶۹}. آنچه مخالفان را در اعمال ماده ۱۳ توسط شورای امنیت بیمناک ساخته، نگرانی از سوءاستفاده شورای امنیت از این ابزار است. گفتنی است که «اعمال اختیارات شورای امنیت در این حوزه مقید به شروط و محدودیت‌های خاصی است که از منشور ملل متحد و اساسنامه دیوان ناشی می‌شوند و این‌ها تحت کنترل قضایی دیوان می‌باشند. علاوه بر این، قواعد و مقررات ناظر بر عملکرد دیوان و توصیف آن به‌عنوان یک مرجع قضایی مستقل و پایبند به اصول دادرسی در وضعیت‌های ارجاعی به دیوان از جانب شورای امنیت نیز حاکم است، قواعدی که مصون از دخل و تصرف شورای امنیت می‌باشد»^{۷۰}.

۶۹. زمانی، «شورای امنیت و ارجاع وضعیت دارفور (سودان) به دیوان کیفری بین‌المللی»، ۸۹.

۷۰. همان، ۸۸.

از سوی دیگر در قطعنامه ۱۹۷۰ (لیبی)، شورای امنیت با توجه به مسأله مسؤولیت حمایت دولت‌ها، آن‌ها را مسؤول حمایت از جمعیت خود دانسته و در صورت قصور در ایفای این امر، مسؤولیت را بر عهده جامعه بین‌المللی قرار داده است. از این‌رو دولت میانمار وظیفه حمایت از جمعیت خود را به عهده دارد، اما همان‌طور که اشاره شد، اسناد و اخبار، حاکی از وقوع فجایع انسانی و عدم توقف آن از سوی دولت و ممانعت از وقوع آن نسبت به مسلمانان می‌باشند. از این‌رو و به‌موجب نظریه مسؤولیت حمایت، مسؤولیت بین‌المللی دولت میانمار محرز خواهد بود.

اما از آنجا که دولت میانمار عضو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نمی‌باشد، دادستان دیوان امکان رسیدگی به مسأله را نخواهد داشت و تنها نهاد ذیصلاح در ارجاع امر برای رسیدگی، شورای امنیت است. عملکرد شورا در قضایای سودان و لیبی بخوبی نشان داد که جامعه بین‌المللی در برابر فجایع انسانی و نقض اصول مسلم حقوقی ساکت نخواهد ماند و اعمال ماده ۱۳ اساسنامه به‌عنوان سازوکاری مؤثر در حفظ صلح و برقراری امنیت و تحدید حاکمیت مطلق دولت‌ها تلقی می‌گردد.

جای تأسف خواهد بود اگر جامعه جهانی چشمان خود را بر روی این تراژدی انسانی نگشوده و در قبال جنایات بوقوع پیوسته علیه مسلمانان، تساهل نشان دهد، چراکه سکوت و بی‌تفاوتی جامعه بین‌الملل موجب نقض فاحش حقوق انسانی مسلمانان و حقوق بین‌الملل شده و پایه گذار رویه‌ای خطرناک در روابط بین‌الملل خواهد بود. نباید از یاد برد که تعلق در برخورد قاطع با بحران میانمار که تابستان گذشته به وقوع پیوست، سبب گردیده تا دور جدیدی از بحران در میانمار آغاز گردد که متأسفانه همچنان ادامه دارد و منجر به کشتار تعداد دیگری از مسلمانان و همچنین آواره شدن شماری دیگر شده است.^{۷۱} «دیگر زمان بی‌تفاوتی جامعه جهانی نسبت به رفتار حکومت‌ها با مردم خود گذشته است. فلسفه وجودی دولت‌ها خدمت به ملت‌هاست و بدیهی است که جامعه بین‌المللی آن دولت خودکامه‌ای را که رأساً یا با همکاری گروهی شبه‌نظامی حقوق اولیه مردم خویش را به دلایل نژادی، مذهبی و ... به بدترین شکل ممکن زیر پا می‌گذارد را تحمل نخواهد کرد»^{۷۲}. محاکمه مرتکبان جنایات

۷۱. دور تازه خشونت علیه مسلمانان میانمار زمانی آغاز شد که صاحب یک پلافروشی که مسلمان بود با یک زن بودایی بر سر معامله درگیر شدند. به دنبال شروع دوباره خشونت‌ها تا کنون حداقل ۲۰ نفر کشته شده‌اند.
<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920103000031/>, last visited 1392/01/23.

۷۲. زمانی، «شورای امنیت و ارجاع وضعیت دارفور (سودان) به دیوان کیفری بین‌المللی»، ۸۹.

بین‌المللی وظیفه‌ای است که ما نسبت به انسانیت خود و جلوگیری از قربانی شدن آیندگان داریم^{۷۳} و همچون نماینده دانمارک یادآوری می‌کنیم: هرگونه تعلل در ارجاع وضعیت‌های مشابه دارفور به دیوان بین‌المللی کیفری عاملی در جهت تضعیف اعتماد به شورای امنیت در حل بحران‌های بین‌المللی خواهد بود.

منابع:

کتاب و مقاله:

- ارفع‌نیا، بهشید، حقوق بین‌الملل خصوصی، انتشارات بهتاب، چاپ اول، بهار ۱۳۸۶.
- دلخوش، علیرضا، مقابله با جرایم بین‌المللی؛ تعهد دولت‌ها به همکاری، انتشارات شهردانش، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- شریعت‌باقری، محمدجواد، اسناد دیوان کیفری بین‌المللی، انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
- عباسی، بیژن، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- کاسسه، آنتونیو، حقوق بین‌الملل کیفری، ترجمه حسین پیران و اردشیر امیرارجمند و زهرا موسوی، انتشارات جنگل، ۱۳۸۷.
- کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، مسئولیت بین‌المللی دولت، ترجمه علیرضا ابراهیم‌گل، انتشارات شهردانش، چاپ چهارم، ۱۳۹۱.
- کیتی شایزری، کریانگ ساک، حقوق بین‌الملل کیفری، انتشارات سمت، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۳.
- وکیل، امیرساعتد، حقوق بشر، صلح و امنیت بین‌المللی، انتشارات مجد، چاپ اول، اسفند ۱۳۸۳.
- وکیل، امیرساعتد، ضمانت اجرای حقوق بنیادین بشر، انتشارات میزان، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۰.
- هکی، فرشید، گفتمان حقوق بشر برای همه، انتشارات شهردانش، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- پورجیا، ارنلا، «روابط دیوان بین‌الملل کیفری و سازمان ملل متحد»، ترجمه دکتر ابراهیم بیگ‌زاده، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۰، ۱۳۸۳.
- زمانی، سید قاسم، «استقرار دیوان کیفری بین‌المللی؛ بیم‌ها و امیدها»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۲، ۱۳۸۱.
- زمانی، سید قاسم، «حمایت از اقلیت‌ها در اسناد جهانی حقوق بشر»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، شماره ۱۵ و ۱۶.
- زمانی، سیدقاسم، «دیوان بین‌الملل کیفری و صدور قرار بازداشت عمرالبشیر»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۴، ۱۳۸۷.
- زمانی، سیدقاسم، «شورای امنیت و ارجاع وضعیت دارفور (سودان) به دیوان کیفری بین‌المللی»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۶، ۱۳۸۳.

فلسفی، هدایت‌الله، «روش‌های شناخت حقوق بین‌الملل»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۷۰.

فلسفی، هدایت‌الله، «شورای امنیت و صلح جهانی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۸.

Lerner. Natan., group rights and discrimination in international law, martinus nijhoff, 1991.

David p. forsyth, human rights and world politics, London, university of Nebraska press, 1983.

M. cherif bassiouni, searching for peace and achieving justice, The need for accountability, in: nikos passas (ed.), international crimes, ashgate, 2003.

Group Rights and Discrimination in International Law, Front Cover, Nātān Lerner, Reviews, Martinus Nijhoff Publishers, 2003 - Law - 196 pages.

اسناد:

اساسنامه دیوان بین‌الملل کیفری

اساسنامه یونسکو

Barcelona traction case.ICJ Report1970.

Security council resolution No.1564

Security council resolution No.1593

Security council resolution No.1970

Security council resolution No.1973

Statement of the Special Rapporteur on the Situation of Human Rights in Myanmar

The Universal Declaration of Human Rights

United Nation Charter

پایگاه‌های اینترنتی:

www.fardanews.com

www.farsnews.com

www.hawzah.net

www.iribnews.ir

www.khabaronline.ir

www.mashreghnews.ir

www.seratnews.ir

www.shia-news.com

www.tebyannews.com

www.un.org

Myanmar Crisis: A Test for UN Security Council in the context of International Legal Order

Fatemeh FATHPOUR

LL.M. in International Law, Allameh Tabataba'i University

Marziyeh GHALANDARI

LL.M. in International Law, Allameh Tabataba'i University

In human Rights domain, Security Council should take in to consideration any issues which endanger International peace and security. The elegant link that is made by United Nation charter among maintenance of International peace and security and respect to Human Rights, as well, the ray of hope which is given by ICC statute composers to establishment of more justice have committed gruesome crimes against humanity, both create a legal basis for Security Council authority to refer the situation of countries which are not the ICC statute members.

Review of news, documents and reports which are released by UN special reporter and other International organs shows that systematic, extensive and sever crimes are happening in Myanmar.

Achievement to International peace is related to supplying justice and preventing of criminals, so by consideration of Security Council function in Darfur situation, it is expected that Security Council refer this serious situation to ICC.

Keywords: Myanmar crisis, authority of Security Council, maintenance of International peace and security.

Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XII, No. 1

2013-1

- The Effect of Retrial on the Enforcement of Final Judgment 3
Fereidoon Nahreini
- Seeking for Modern State in Iran: The Fate of Iranian Leviathan 3
Ali Akbar Gorgi Azandariyani & Jafar Shafiei Sardasht
- International Responsibility of State in Cyber Attacks 4
Seyed Yaser Ziaee & Mona Khalilzadeh
- Privacy Protection on Social Networking Sites 4
Bagher Ansari & Shima Attar
- Nature of Honor Killings and approach of the Human Rights
System towards them 5
Soheyla Ebrahimi Looyeh
- Myanmar Crisis: A Test for UN Security Council in the context
of International Legal Order 5
Fatemeh Fathpour & Marziyeh Ghalandari
- Developing Digital Libraries and the Fate of Copyright from
the perspective of Comparative and International Law 6
Javad Shoja & Elham Sadate Alvankar
- What I learned from Legal Education System of England 6
Zoha Abdolalizadeh & Setareh Saedi Araghi



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study